

## گزارشی در خصوص بازگشایی مدارس و مشکلات پدران و مادران کارگر

ایران خبر

جمعه بیست نهم شهریور ۱۳۸۷



وضعیت معیشت زندگی کارگران در ایران روز به روز روبه وخامت می رود، به ویژه بحث تحصیل بچه ها که پیش می آید فقط مشکلی به مشکلات کارگران اضافه میشود و باعث شرمندگی کارگران در چشم خانواده و فرزندانشان میشود. به طور واقعی دستمزد کارگران این قدری نیست که بتوانند حتی معیشت روزمره زندگیشان را بچرخانند چه رسد به بحث رسیدگی به بچه ها و راه اندازی بچه ها برای مدارس با این هزینه های سنگین و با این وضعیت حقوق های پائین و معوقه و تورم بیش از حد که در جامعه وجود دارد و توان کارگران را برای خرید حتی لوازم التحریر بچه ها به صفر رسانده است.

کارگران هم مجبورند بچه هایشان را به مدرسه بفرستند با حداقل امکانات

فرزندانشان را راهی مدرسه می کنند، اما همیشه زخمی التیام نیافته بر روح فرزندان کارگران وجود دارد و آن این که چرا آنها هم نمی توانند مانند سایرین با امکاناتی بهتر درس بخوانند؟

یکی از کارگران در این رابطه به خبرنگار ما گفت: من کارگرم با این حقوق و این تورم توان خرید برای فرزندم را ندارم. اگر حساب کنیم یک پدر دو فرزند دانش آموز هم داشته باشد در مضیقه بیشتری قرار میگیرد و تمام حقوق ناچیزش را باید برای مدرسه بچه ها کنار بگذارد و بنابراین کرایه خانه و سایر مخارج زندگی را چطور باید تامین کند؟ اگر دانش آموز مقطع بالاتر هم داشته باشی که دیگر مشکل و دردت صد برابر میشود.

هر چه مقطع تحصیلی بچه ها بالاتر باشد مسلما خرجش بیشتر است.

با این وضعیت تورمهای الان هم اصلا این دخلها به این خرجها نمی آرزد. این هزینه ها با این درآمدها با هم جور در نمیآیند!!

کارگر دیگری ضمن گلایه از تورم روز افزون گفت: دولت می آید اعلام میکند که کسی هیچ گونه شهریه ای برای ثبت نام بچه ها نیازی نیست بدهد، اما هنوز سال تحصیلی شروع نشده نامه میدهند که ۲۰ هزار تومان برای فلان چیز بدهید، ۱۰ هزار تومان برای فلان چیز بدهید، ۱۵۰ هزار تومان برای فلان پروژه مدرسه بدهید و ... از این طرف برای ثبت نام پول نمیگیرند، از طرفی در طی سال ده برابر پول میگیرند. تمام وقت دارند پول میگیرند یا کلاسهای فوق العاده اجباری برای بچه ها میگذارند که فقط به معلم پول بدهند. چرا؟

هیچ کس به فریاد این مردم نمیرسد. احمدی نژاد گفت ما هزینه های دانشگاهها را کم میکنیم و وام میدهم اما هیچ خبری نشد و همش حرف است. بچه من دانشجو است شاهد هستم که نه تنها یک قران وام نداده است، هیچ هزینه ای را هم کم

نکرده است که بیشتر شده است. من خودم پسر دانشجو دارم سال چهارم است کلی هزینه دارم پرداخت میکنم که این بچه درس بخواند. هر ۴ ماه یکبار باید ۳۰۰ تومان هزینه دانشگاه بپردازم تا بچه ام درس بخواند. من خون دل میخورم زحمت می کشم بچه ام را می فرستم دانشگاه درسش را بخواند. اما فردا یا باید بیکار بشود یا باید معتاد بشود، یا باید دزد بشود، یا قاچاقچی! چون اشتغال زایی هم در این کشور نابود شده است.

پسرباجناقم ۴ سال است که لیسانس گرفته است در خانه نشسته و هیچ کجا برایش کار نیست. این وضعیت جوانان تحصیلی کرده در دولت ماست.

این هزینه های مدارس، این هزینه های دانشگاه، چه کسی میخواد جواب این بدبختیها را بدهد معلوم نیست. این درحالی است که فساد و فحشا مملکت ما را گرفته است، برایشان اهمیتی ندارد. سرشان را مثل کبک کرده اند در برف، خیال میکنند خودشان جایی را نمیبینند، هیچ کس دیگر هم نمیبیند.

فقط حرف میزنند و حرف و حرف! هیچ عملی ما از این دولت نهم ندیدیم. همش شعار میدهند هیچ عملی ما از اینها نمیبینیم. البته همه میدانند که این دولت چه ظلمی می کند، اما از ترس بلاهایی که در زندان سر آدم میآورند کسی حرفی نمی زند! کارگر دیگری از قم گفت: مشکلات با شروع مدارس صد برابر میشود. هیچ تسهیلاتی برای اول مهر به ما نمی دهند.

حقوق کارگران را با زور میدهند چه رسد به این تسهیلات چه در شروع مدارس و چه در ماه مبارک رمضان! این گوشه ای از دردهای کارگران در آغاز سال تحصیلی جدید است، هر چند ابعاد این دردها بسیار گسترده از آن چیزی است که در این گزارش آمده است، اما به راستی مسئولین مملکتی که برای رسیدگی به امور همین مردم بر قدرت رسیده اند، نمی خواهند قدمی برای این مردم بردارند؟

حد اقل يك دهم آنچه را که برای مردم سایر ممالک هزینه می کنید برای مردم خودمان که حتی قوت لایموت ندارند هزینه کنید.

آژانس ایران خبر

۱۳۸۷/۶/۲۹